



بعثت رسول خدا

سیدہ ہاشم رسولی خراسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعثت رسول خدا صلی الله علیه وآله (۲)

نویسنده:

هاشم رسولی محلاتی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فہرست

۵	فہرست
۶	بعثت رسول خدا (۲)
۶	مشخصات کتاب
۶	بحث درباره تاریخ و زمان بعثت
۲۰	پاورقی
۲۳	درباره مرکز

نویسنده: سید هاشم رسولی محلاتی

ناشر: سید هاشم رسولی محلاتی

بحث درباره تاریخ و زمان بعث

بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۶۸ و این هم پاسخی است به برخی از اهل سنت که خواسته اند روایت عایشه را توجیه کرده و آن حالت رسول خدا «ص را که در آن حدیث آمده با روایات دیگری که در این باره رسیده که چون وحی بر آن حضرت نازل میشد حالت غش او را میگرفت... و این هم حدیث دیگری در این باره که در کتاب توحید صدوق (ره) (ص ۱۰۲) آمده: «...عن عبید بن زراره، عن ابیه قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام: جعلت فداک الغشیه الّتی کانت تصیب رسول الله صلی الله علیه و آله اذا نزل علیه الوحی؟ قال: فقال ذلک اذا لم یکن بینہ و بین الله احد، ذاک اذا تجلی له، قال: ثم قال: تلک النبوه یا زراره، و اقبل یتخشع. @ و بلکه در پاره ای از روایات آمده است که جبرئیل هیچگاه بدون اجازه قبلی نزد رسول خدا «ص نمی آمد، و هرگاه نیز که اجازه میگرفت هنگام ورود با کمال ادب و مانند بنده ای در حضور آنحضرت جلوس میکرد، که این هم متن آن حدیث دیگر که شیخ صدوق (ره) در کتاب علل از امام صادق علیه السلام روایت کرده: عن ابی عبد الله علیه السلام قال: کان جبرئیل اذا اتی النبی صلی الله علیه و آله فعدین یدیه قعده العبد، و کان لا یدخل حتی یستأذنه. [۱]. اکنون بنگرید «تفاوت ره از کجا است تا بکجا» و چه اندازه فرق است میان روایات اهل سنت و روایات شیعه در معرفی جبرئیل و رسول خدا «ص و داستان وحی و ورود فرشته وحی بر رسول خدا «ص

؟ و خود قضاوت کنید! و این نیز حدیث دیگری در این باره که عیاشی در تفسیر خود آنرا از زراره از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. «عن زراره قال: قلت لابی عبد الله علیه السلام: کیف لم یخف رسول الله صلی الله علیه و آله فیما یاتیه من قبل الله ان ینزل علیه السکینه و الوقار، فکان یاتیه من قبل الله عز و جل مثل الذی یراه بعینه. زراره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چگونه رسول خدا «ص در آنچه بر او از سوی خدا نازل می گشت ترس آنرا نداشت که از وساوس شیطان باشد؟ امام علیه السلام فرمود: برستی که خدا هرگاه بنده ای را به رسالت انتخاب می کند آرامش و وقار خود را بر او فرومی فرستد، بدانگونه که هر چه از جانب خدای عز و جل بر او نازل گردد همانند چیزی است که به چشم خود می بیند... [۲]. در این حدیث این مطلب که رسول خدا «ص در مورد وحی الهی هیچگونه شک و تردیدی بخود راه نمیدهد مسلم فرض شده و علت آنرا زراره می پرسد؟ و این هم روایتی درباره ماجرای بعثت رسول خدا «ص که چون راوی و سندی ندارد چندان معتبر نیست ولی ناقل آن مرحوم ابن شهر آشوب است که در مناقب آنرا روایت کرده که میگوید: و روی انه نزل جبرئیل علی جیاد اصفر و النبی صلی الله علیه و آله بین علی علیه السلام و جعفر، فجلس جبرئیل عند راسه، و میکائیل عند رجله، و لم ینبهاه اعضاما له، فقال میکائیل: الی ایهم بعثت؟ قال: الی الاوسط، فلما انتبه ادی الیه جبرئیل الرساله عن الله تعالی، فلما

نهض جبرئیل لیقوم اخذ رسول الله صلی الله علیه و آله بثوبه ثم قال: ما اسمک؟ قال: جبرئیل، ثم نهض النبی صلی الله علیه و آله لیلحق بقومه فما مر بشجره و لا مدره الا سلمت علیه و هناته، ثم کان جبرئیل یاتیه و لا یدنو منه الا بعد ان یتاذن علیه، فاتاه یوما و هو باعلی مکة فغمز بعقبه بناحیه الوادی فانفجر عین فتوضا جبرئیل، و تطهر الرسول، ثم صلی الظهر و هی اول صلاه فرضها الله عز و جل، و صلی امیر المؤمنین علیه السلام مع النبی صلی الله علیه و آله، و رجع رسول الله صلی الله علیه و آله من یومهای خدیجه فاخبرها، فتوضات و صلت صلاه العصر من ذلك الیوم [۳]. - و روایت شده که جبرئیل بر اسبی زرد رنگ (و یا درمکانی بنام جیاد) بر آنحضرت نازل گشت و رسول خدا «ص میان علی علیه السلام و جعفر خفته بود، پس جبرئیل در کنار سر آنحضرت نشست و میکائیل در کنار پای او و بخاطر عظمت و بزرگی آنحضرت وی را بیدار نکردند، میکائیل گفت: بسوی کدامیک از اینان مبعوث گشته ای؟ گفت: به این که در وسط خفته! و چون رسول خدا «ص از خواب بیدار شد جبرئیل رسالت خدای تعالی را به آنحضرت ابلاغ کرد، و چون جبرئیل خواست که برخیزد رسول خدا «ص جامه اش را گرفت و بدو گفت: نام تو چیست؟ گفت: جبرئیل، آنگاه رسول خدا برخاست تا به قوم خود ملحق شود که به هیچ درخت و سنگی نمی گذشت جز آنکه بر او سلام کرده و مژده اش میدادند. و پس از آن جبرئیل نزد او میآمد ولی به آنحضرت نزدیک نمی شد تا از وی اذن بگیرد پس روزی در حالی که رسول خدا «ص

در بالای مکه بود بنزد وی آمد و در گوشه ای از آن وادی جایی از زمین را فشار داد و چشمه ای پدیدار شد و جبرئیل وضوء گرفت و رسول خدا «ص نیز تطهیر کرد آنگاه نماز ظهر را خواند، و آن نخستین نمازی بود که خدای عز و جل فرض کرد، و امیر المؤمنین علیه السلام نیز با آنحضرت نماز خواند، و رسول خدا «ص در همان روز بنزد خدیجه بازگشت و جریان را به او خبر داد و او نیز وضوء ساخته و نماز عصر را در همان روز خواند... و از روایت ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه که در داستان مجاورت رسول خدا «ص در غار «حراء» میگوید: «...حتی جاءت السنه التي اكرمه الله فيها بالرساله فجاور في حراء شهر رمضان و معها هله: خدیجه و علی بن ابیطالب و خادم لهم، فجاءه جبرئیل بالرساله...» [۴]. معلوم میشود که علی علیه السلام و خدیجه نیز در ماجرای نزول وحی و بعثت و در غار حراء همراه رسول خدا؟ «ص بوده اند... ولی سند حدیث و مصدر آنرا متأسفانه نقل نکرده، و همین قدر در آغاز آن گفته: «و قد ورد في الكتب الصحاح . شریعت قبل از بعثت بحث پایانی این بخش: در پایان بحث از ماجرای بعثت رسول خدا (ص) - طبق وعده ای که دادیم - لازم است مقداری هم درباره شریعت و آئینی که رسول خدا (ص) قبل از بعثت از آن پیروی میکرد بحث شود، زیرا این مطلب از نظر تاریخ مسلم است که: اولاً- رسول خدا (ص) در تمام دوران زندگی قبل از بعثت خود، لحظه ای در برابر بتها پرستش نکرد، و از آئین مشرکین و بت پرستان و سنتها

و مراسم شرک آلود و غلط ایشان پیروی نکرد، و از «اکل میتة و ذبائحی که نام خدا بر آنها ذکر نشده بودنمی خورد، و اینکه در صحیح بخاری و مسند احمد بن حنبل آمده است که گویند: برای رسول خدا (ص) سفره غذائی حاضر کردند، و زید بن عمرو بن نفیل [۵] را نیز بر سر آن سفره خواندند، ولی زید از حضور بر سر آن سفره خودداری کرده گفت: «انا لا آکل مما تذبحون علی انصابکم، و لا آکل الا ما ذکر اسم الله علیه من از آنچه شما بر بت‌های خود ذبح میکنید نمی خورم و جز آنچه را نام خدا بر آن برده شده نخواهم خورد. و در نقل احمد بن حنبل هست که رسول خدا (ص) بر سر سفره ای با سفیان بن حارث غذا میخورد و زید از آنجا عبور کرد و آن دو او را به خوردن دعوت کردند و او چنین پاسخی داد... [۶] مخدوش و غیر قابل قبول است و از اینرو خود اهل سنت و آنها که صحیح بخاری را صحیحترین کتابهای حدیثی میدانند نتوانسته اند آنرا بپذیرند و در صدد توجیه برآمده که از آنجمله سهیلی در کتاب «الروض الانف گوید: «کیف وفق الله زیدا الی ترک ما ذبح علی النصب و ما لم یذکر اسم الله علیه و رسوله (ص) کان اولی بهذه الفضیله فی الجاهلیه لما ثبت من عصمه الله تعالی له [۷] یعنی چگونه خداوند به زید این توفیق را عنایت کرد که از خوردن ذبحی که برای بتها ذبح شده و یا نام خدا بر آن جاری نشده بود خودداری کند، ولی به رسول خدا چنین توفیقی نداد، با اینکه رسول خدا (ص) به چنین فضیلتی سزاوارتر بود

بخاطر عصمتی که از سوی خدای تعالی داشت: و آنگاه درصدد پاسخ و توجیه برآمده و گوید: «لیس فی الروایه انه قد اکل من السفره و بان شرع ابراهیم انما جاء بتحریم المیتة لا بتحريم ما ذبح لغير الله تعالی فرید امتنع عن اكل ما ذبح لغير الله برای رآه لا بشرع ما تقدم یعنی- در روایت نیامده که آنحضرت از آن سفره چیزی خورد، و از این گذشته شرع ابراهیم میتة را حرام کرده بود نه آنچه را که نام خدا بر آن جاری نشده بود، و ازاینرو زید طبق رای خود از خوردن آن غذا خودداری کرد نه بخاطر شریعت گذشته. ولی برای خواننده محترم روشن است که این پاسخ نمیتواند اشکال و شبهه را از ذهن انسان رفع کند و بهتر آن است که اصل حدیث را که بگفته ایشان بر خلاف دلیلهائی است که عصمت رسول خدا (ص) را ثابت کرده مردود بدانیم و آنرا نپذیریم. و همچنین حدیث «استلام اصنام - دست و صورت مالیدن به بتها بعنوان تبرک و احترام- که در روایات ایشان آمده [۸] و روایات دیگری که حکایت از مشارکت آنحضرت در مراسم شرک آمیز آنها میکند همگی مردود و مخالف با مبانی و اصول خود آنها در باب نبوت آن بزرگوار است. ثانیاً از نظر تاریخ مسلم است که آنحضرت قبل از بعثت عبادتهائی از قبیل نماز و روزه و طواف و حج و عبادتهای دیگری انجام میداده چنانچه در حدیث عایشه و دیگران در ماجرای بعثت این جمله بود که: «فكان یخلو بغار حراء فیتحنث فیه و «تحنث را به «تعبد» معنا کرده بودند. و مرحوم فتال نیشابوری در روضه الواعظین گفته: «رسول خدا (ص)

از اول تکلیف روزه میگرفت و نماز می گذارد، بعکس آنچه در میان قوم معمول بود و چون به سن چهل سالگی رسید خداوند بوسیله جبرئیل او را مامور به ابلاغ رسالت فرمود...» [۹] و اکنون با توجه به این دو مقدمه این بحث پیش آمده که آیات رسول خدا (ص) در پیروی از مرام مقدس توحید و عمل به دستورات و اعمال دینی تابع چه شریعتی بوده؟ آیا شریعت انبیاء گذشته و یا شریعت خود یعنی شریعت مقدس اسلام که بعدامامور به ابلاغ و اظهار آن گردید... و در آن وقت تنها خود آنحضرت مامور به پیروی و انجام اعمال آن بود... و بنابر آنچه گفته شد تذکر این نکته در اینجا لازم است که به نظر نگارنده طرح این بحث بنحوی که در کتابهای دانشمندان اسلامی اعم از دانشمندان شیعه و اهل سنت - آمده خالی از نوعی تسامح و بی دقتی نیست زیرا آن مسئله را به این نحو و با این عبارت طرح کرده و گفته اند: «اعلم ان علماء الخاصه و العامه اختلفوا فی ان النبی (ص) هل کان قبل بعثته متعبدا بشریعته ام لا...» [۱۰] و یا این عبارت که از یکی از دانشمندان بزرگ اهل سنت است که میگوید: «و قد اختلف العلماء فی تعبدہ قبل البعثه هل کان علی شرع ام لا؟» [۱۱] یعنی علماء اختلاف دارند در اینکه تعبد و انجام عبادت‌های آنحضرت پیش از ماجرای بعثت آیا بر طبق شرعی از شرایع بوده یا نه؟ و وجه تسامح و بی دقتی همین است که اعمال و عبادات آن بزرگوار بطور مسلم بر طبق شریعتی انجام میشده که آن شریعت یا شریعت پیمبران گذشته بوده و یا شریعت خود آنبزرگوار... و شاید مرحوم علامه (ره) در شرحی که بر مختصر ابن

حاجب نگاشته و عبارت آنرا مرحوم مجلسی در بحار الانوار نقل کرده متوجه این مطلب بوده که بحث را اینگونه مطرح فرموده: «اختلف الناس فی ان النبی (ص) هل کان متعبدا بشرع احد من الانبياء قبله قبل النبوه ام لا...» [۱۲] که برای اهل تحقیق روشن است که این عبارت از آن تسامح و اشکال خالی است و بهر صورت مسئله آنقدر مهم نیست که بیش از این مقدار وقت شما را بگیریم و این مقدار هم از باب تذکر بنظر لازم آمد. و بهتر آن است که به اصل بحث بازگردیم و بحث را اینگونه طرح کنیم که: آیا رسول خدا (ص) قبل از بعثت تابع چه شریعتی از شریعت‌های الهی بوده؟ جمعی معتقدند که آنحضرت تابع شریعت‌های پیامبران قبل از خود بوده؟ و گروهی نیز معتقدند که تابع شریعت خود یعنی شریعت اسلام بوده، با این توضیح که در آنزمان بدان حضرت وحی میشد و به اصطلاح «نبی بود، و موظف بود بدانچه بر او وحی میشد بدان عمل کند، ولی «رسول نبود و وظیفه نداشت آنها را بدیگران ابلاغ کند، تا سن چهل سالگی که به منصب رسالت مفتخر گردید و موظف شد این آئین مقدس را بدیگران نیز ابلاغ کند. گروه اول نیز که عقیده دارند آنحضرت تابع شریعت‌های پیامبران قبل از خود بوده درباره آن شریعت و آن پیامبر اختلاف نظر دارند و چهار نظریه درباره آن شریعت ذکر شده: ۱- شریعت نوح علیه السلام ۲- شریعت ابراهیم علیه السلام ۳- شریعت موسی علیه السلام ۴- شریعت عیسی علیه السلام و در اینجا نظریه پنجمی هم ابراز شده و آن این است که گفته اند: هر چه نزد آنحضرت ثابت شده بود که شریعت است از آن پیروی کرده و بدان عمل میکرد و پیرو شریعت

مخصوصی نبود. و بنظر میرسد غرض ورزی و دست سیاست بازان و قصه پردازان یهود و نصاری هم در این مسئله راه یافته باشد و برای اثبات اینکه شریعت اسلام پیرو همان شرایع یهود و نصاری است و رسول خدا (ص) نیز تابع موسی و عیسی بوده به این بحث دامن زده و احیاناً اظهار نظرهایی کرده باشند زیرا آنها که باک نداشتند ابراهیم علیه السلام را یهودی یا نصرانی بخوانند هیچ باکی نداشتند که رسول خدا (ص) و سلاله ابراهیم علیه السلام را یهودی و یا نصرانی بدانند! و بهر صورت هر یک از دو دسته برای مدعای خود دلیلهائی ذکر کرده اند و دانشمندان نیز آنها را در کتابهای خود بتفصیل نقل کرده اند که فشرده ای از آنها میتوانی در بحار الانوار مجلسی (ره) بخوانید [۱۳] و بنظر ما آنچه در میان دلیلهای دسته اول (یعنی آنها که گفته اند رسول خدا تابع شریعتهای قبل از خود بوده) مهم و قابل بحث میباشد چند آیه قرآنی است و بقیه گفتارها اجتهادات و یا روایات ضعیفی است که از نقل آنها صرف نظر میکنیم. و به نقل همان آیات اکتفای نمائیم: ۱- آیه ۹۰ از سوره انعام است که خدای تعالی پس از ذکر نام جمعی از پیمبران چون ابراهیم و فرزندان آن بزرگوار فرماید: / اولئک الذین هداهم الله فبهدهم اقتده / آنها هستند که خداوند ایشانرا هدایت و راهنمایی فرمود، و تو نیز از هدایت آنها پیروی کن... و پاسخی که از استدلال به این آیه داده شده آن است که منظور از این هدایت و پیروی از آن همان اصول مورد اتفاق همه ادیان است نه فروع شرعیه زیرا پر واضح است که فروع در ادیان گذشته مورد اختلاف بوده... نگارنده گوید: مؤید این پاسخ نیز همان نزول آیه است که پس از

بعثت

رسول خدا (ص) نازل گشته و میتوان گفت: این آیه ربطی به بحث ما که بحث از شریعت رسول خدا (ص) قبل از بعثت میباشد ندارد... و از همین پاسخ می توان پاسخ استدلال به آیات دیگری را نیز که در اینباره شده است دانست مانند آیه: / شرع لکم من الدین ما وصی به نوحا و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسیو عیسی، ان اقیموا الدین و لا تفرقوا فیه کبر علی المشرکین ما تدعوهم الیه.../ [۱۴]. که با توجه به صدر و ذیل آیه بخوبی روشن میشود که منظور همان اصول عقایدی است که در همه ادیان بوده است... و آیه شریفه / ثم اوحینا الیک ان اتبع مله ابراهیم حنیفا.../ [۱۵] که منظور از پیروی «مله ابراهیم همان اصول عقلیه است نه فروع شرعیه، بدلیل آیه دیگری که فرموده: / و من یرغب عن مله ابراهیم الامن سفه نفسه / [۱۶] و پر واضح است که بسیاری از فروع شرعیه آئین ابراهیم نسخ شده و اگر منظور از «مله ابراهیم همه اصول و فروع بود با توجه به این آیه نسخ آنها جایز نبود... و آیه: / انا اوحینا الیک کما اوحینا الی نوح و النیین.../ [۱۷] و بخصوص آیه اخیر که ظاهرا مربوط به اصل مسئله وحی و کیفیت آن است و ربطی به مسئله مورد بحث ما ندارد... و اما دلیل گروه دیگر که گفته اند: رسول خدا (ص) پیرو شریعت و آئین خود یعنی آئین مقدس اسلام بوده روایات بسیاری است که برخی از آنها صراحت در این مطلب دارد و از برخی با توجه به روایات و شواهد دیگر استفاده مطلب از آنها میشود که از دسته نخست روایاتی

است که صراحت دارد بر اینکه رسول خدا (ص) قبل از بعثت نیز «نبی و پیامبر بوده. ۱- مانند روایت مشهوری که در کتابهای شیعه و اهل سنت آمده که رسول خدا (ص) فرمود: «کنت نبیا و آدم بین الروح و الجسد» [۱۸] من پیامبر بودم در وقتی که آدم میان روح و بدن بود... و در برخی از کتابها این گونه نقل شده که فرمود: «کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین: و برای فهم بهتر این استدلال باید این مطلب را نیز اضافه کرد که بعثت پیامبران الهی که برتر و خاتم آنها پیامبر بزرگوار اسلام بوده است مراحل و درجاتی داشته- چنانچه از روایات نیز استفاده میشود- که یکی از آن مراحل «نبوت است و این مرحله قبل از مرحله رسالت بوده و مرحله نبوت آن بزرگواران مرحله ای بوده که از طریق فرشتگان و یا در خواب و یا از طریق الهام به آنها وحی میشده و دستورات و یا خبرهائی از جانب خدای تعالی به ایشان داده می شد که مامور به عمل بدان میشدند ولی مامور به ابلاغ و رساندن آنها بدیگران نبودند و در این مرحله آنها «نبی بودند نه رسول و برای درک بیشتر این مطلب به روایات زیر توجه کنید که در باب «طبقات الانبیاء و الرسل و الائمة از کتاب شریف کافی و جاهای دیگر نقل شده مانند این روایت که کلینی (ره) بسند خود از زید شهم روایت کرده که گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «ان الله تبارک و تعالی اتخذ ابراهیم عبدا قبل ان يتخذہ نبیا و ان الله اتخذہ نبیا قبل ان يتخذہ رسولا و ان الله اتخذہ رسولا

قبل ان يتخذہ خلیلا و ان الله اتخذہ خلیلا قبل ان يجعلہ اماما فلما جمع له الاشیاء قال: انی جاعلک للناس اماما» [۱۹] براستی که خدای تعالی ابراهیم را به بندگی خویش برگرفت پیش از آنکه به نبوت برگردد، و خدای تعالی او را به نبوت خویش برگرفت پیش از آنکه به رسالت برگردد، و به رسالت برگرفت پیش از آنکه بدوستی خود برگردد، و به دوستی برگرفت پیش از آنکه به امامت برگردد و چون همه اینها را برای او گرد آورد فرمود «من تو را برای مردم امام قرار دادم و نیز بسندش از زرارہ روایت کرده که گوید: از امام باقر علیہ السلام معنای آیہ شریفہ «و کان رسولا نبیا» و فرق میان «رسول و «نبی را پرسیدم و آنحضرت در پاسخ من فرمود: «النبی الذی یری فی منامہ و یسمع الصوت و لا یعاین الملک و الرسول الذی یسمع الصوت و یری فی المنام و یعاین الملک...» [۲۰] و نبی کسی است که در خواب (فرشته را) به بیند و صدای (او را) بشنود ولی به عیان فرشته را نبیند و رسول کسی است که صدا را بشنود و در خواب ببیند و در عیان نیز او را مشاهده کند. و بسندش از امام صادق علیہ السلام روایت کرده که فرمود: «الانبیاء و المرسلون علی اربع طبقات، فنبی منبأ فی نفسه لا یعدو غیرها و نبی یری فی النوم و یسمع الصوت و لا یعاینه فی الیقظہ و لم یبعث الی احد...» [۲۱] پیامبران و رسولان بر چهار طبقہ هستند گاهی «نبی است که تنها به او خبر رسیده و از او بدیگری تجاوز نکند، و گاهی «نبی است که

در خواب ببیند و صدا را بشنود و در بیداری نه بیند و بسوی دیگری هم مبعوث نشده... و روایت دیگری که از یزید کناسی روایت کرده که گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم: آیا عیسی بن مریم در آنهنگام که در گهواره سخن فت حجت خدای تعالی بر مردم زمان خود بود؟ امام علیه السلام در جواب من فرمود: «کان یومئذ نبیا حجه لله غیر مرسل، اما تسمع لقوله تعالی حین قال انی عبد الله آتانی الكتاب و جعلنی نبیا» [۲۲] وی در آنروز «نبی و حجتی بود از سوی خدا ولی «مرسل و فرستاده بسوی کسی نبود، آیا این گفتار خدای تعالی را نشنیده ای آنهنگام که عیسی گفت «من بنده خدایم که کتاب بمن داده و مرا «نبی قرارم داده. و از روایت اخیر و استشهاد به آیه قرآنی بخوبی معلوم میشود که مقام نبوت مقامی است که ممکن است به پیمبران در گهواره نیز داده شود چنانچه به عیسی علیه السلام داده شد... [۲۳] و بخصوص با توجه به روایاتی که خداوند هیچ فضیلت و کرامت و معجزه ای به پیامبری از پیمبران خود عطا نفرمود جز آنکه آنرا به رسول خدا (ص) نیز عطا فرمود مانند روایت مفصلی که از ارشاد القلوب دیلمی نقل شده که امیر المؤمنین علیه السلام بمردی یهودی که در اینباره سؤال کرد فرمود: «فو الله ما اعطی الله عز و جل نبیا و لا- مرسلا درجه و لا- فضیله الا- و قد جمعها لمحمد (ص) و زاده علی الانبیاء و المرسلین اضعافا...» [۲۴] بخدا سوگند که خدای عز و جل به هیچ نبی و مرسلی درجه و فضیلتی عطا نفرمود، جز آنکه آنرا برای حضرت محمد (ص) گرد آورده و

بلکه چند برابر آنها افزوده است... ۲- دلیل دوم، سخن امیر المؤمنین علیه السلام است در «خطبه قاصعه که در نهج البلاغه و کتابهای دیگر از آنحضرت نقل شده که درباره رسول خدا (ص) فرمود: «و لقد قرن الله به (ص) من لدن ان كان فطيما اعظم ملك من ملائكته يسلك به طريق المكارم و محاسن اخلاق العالم ليله و نهاره خدای تبارک و تعالی از لحظه ای که پیغمبر را از شیر گرفتند بزرگترین فرشته از فرشتگان خود را قرین او فرمود تا اخلاق نیکو و صفات پسندیده را به وی بیاموزد... و معنای تعلیم فرشته جز همان نبوت چیز دیگری نیست. و در چند روایت در اصول کافی آمده که منظور از «روح در آیات سوره شوری و اسراء یعنی آیه شریفه/ و كذلك اوحينا اليك روحا من امرنا/ [۲۵] و آیه/ يستلونك عن الروح قل الروح من امر ربي/ [۲۶] همین فرشته بوده، که یکی از آنها روایت زیر است که کلینی بسند خود از ابی بصیر روایت کرده که گوید: از امام صادق علیه السلام تفسیر «روح را در آیه «يستلونك عن الروح پرسیدم و آنحضرت فرمود: «خلق اعظم من جبرئیل و میکائیل، کان مع رسول الله (ص) و هو مع الائمة و هو من الملكوت [۲۷] یعنی این روح، خلقی است از مخلوقات خدا بزرگتر از جبرئیل و میکائیل که به همراه رسول خدا (ص) بوده و همراه امامان نیز هست و او از عالم ملکوت (و مجردات و فرشتگان) است. و در روایتی که صفار در کتاب بصائر الدرجات روایت کرده اینگونه است که امام صادق علیه السلام فرمود: «ان الروح خلق اعظم من جبرئیل و میکائیل، کان مع رسول الله (ص)

یسوده و یرشده و هو مع الاوصیاء من بعده . و بلکه در پاره ای از روایات آمده که «روح القدس که نامش در قرآن کریم و در روایات آمده نام همین فرشته بود نه نام جبرئیل و نام جبرئیل روح الامین است که در قرآن کریم نیز آمده است. نگارنده گوید: با توجه بدانچه ذکر شد بنظر میرسد این قول دوم نزدیک تر به ذهن و اولی به پذیرفتن و قبول باشد و از نظر عقل و نقل مانعی برای پذیرفتن آن بنظر نمیرسد و از آنجا که این بحث چندان رابطه ای با بحث تاریخی ما نیز ندارد بهمین مقدار اکتفا کرده و برای تحقیق بیشتر شما را بکتابهای کلامی و حدیثی دیگری که بتفصیل در اینباره بحث کرده اند ارجاع داده و بدنبال بحث تاریخی خود باز میگردیم.

پاورقی

- [۱] التقریب نووی ص ۳ (مطبوع در مقدمه شرح صحیح بخاری کرمانی چاپ بیروت).
- [۲] نهج البلاغه خطبه ۱۹۰.
- [۳] علل الشرایع ص ۱۴.
- [۴] تفسیر عیاشی ج ۲ ص ۲۰۱.
- [۵] مناقب ج ۱ ص ۴۵.
- [۶] شرح نهج البلاغه ج ۱۳ ص ۲۰۸ - ط جدید.
- [۷] زید بن عمرو بن نفیل از حنفاء بوده است که در گذشته بتفصیل در مقاله ای جداگانه شرح حالش را ذکر کردیم.
- [۸] الصحیح من السیره ج ۱ ص ۱۵۸.
- [۹] الروض الانف ج ۱ ص ۲۵۶.]
- [۱۰] الصحیح من السیره ج ۱ ص ۱۶۰.
- [۱۱] بنقل از کتاب جنه الماواى قاضی طباطبائی.
- [۱۲] بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۱.
- [۱۳] سیره النبویه ابن کثیر ج ۱ ص ۳۹۱.
- [۱۴] بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۱.
- [۱۵] بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۱ - ۲۸۱.

[١٦] سورة شوری آیه ١٣.

[١٧] سورة نحل آیه ١٢٣.

[١٨] سورة بقره آیه ١٣٠.

[١٩] سورة نساء آیه ١٦٣.

[٢٠] الغدير ج ٩

ص ۲۸۷، بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۸.

[۲۱] الاصول من الكافي باب طبقات الانبياء و الرسل و الائمه ج ۲.

[۲۲] الاصول من الكافي باب الفرق بين الرسول و النبي و المحدث ج ۱.

[۲۳] الاصول من الكافي باب طبقات الانبياء و الرسل.

[۲۴] بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۷۸.

[۲۵] در میان پیامبران الهی پیامبران دیگری نیز بوده اند که در کودکی و نوجوانی به مقام نبوت رسیده اند مانند عیسی که خداوند درباره اش فرمود «و آتیناه الحکم صبیا» و یوسف که خداوند درباره اش فرمود «و اوحینا الیه لتنبئنهم بامرهم هذا» و بگفته بسیاری از مفسران منظور از این وحی، وحی نبوت بوده.

[۲۶] بحار الانوار ج ۱۶ ص ۳۴۱.

[۲۷] سوره شوری آیه ۵۲.

[۲۸] سوره اسری آیه ۸۵.

[۲۹] بحار الانوار ج ۱۸ ص ۲۵۶.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

